

## نقدی بر مقاله «قرآن درست کردن (تأملی بر بیتی از سعدی شیرازی)»

دکتر سید حسین فاطمی<sup>۱</sup>

نوشته حاضر، نقدی است بر مقاله «قرآن درست کردن» (تأملی بر بیتی از سعدی شیرازی) به قلم آقای دکتر مجتبی مجرد، که در مجله جستارهای ادبی شماره ۲۰۱ تابستان ۱۳۹۷ به چاپ رسیده است. بیت مورد نظر در این مقاله این است:

یتیمی که ناکرده قرآن درست      کتب‌خانه چند ملت بشست

اگرچه نویسنده محترم آن مقاله گفته است: «ما در این نوشته می‌کوشیم با بررسی دقیق نظرات شارحان و واکاوی اصطلاح قرآن درست کردن در دستنویس‌ها و متون فارسی پردازیم و از این رهگذر معنی دقیق بیت را که عموم شارحان بوستان به آن عنایتی نداشته‌اند تبیین کنیم؛ اما مقایسه نظر ایشان در برابر نظر شارحان نشان می‌دهد که نویسنده این مقاله نیز، به معنی صحیح آن نرسیده است. معنی بیت در نظر ایشان چنین توجیه شده: «بنابراین معنی بیت سعدی را می‌توان چنین دانست که پیامبر یتیمی بود که پیش از آنکه قرآن را تدوین کند توانست کتابخانه‌های دیگر ملت‌ها را بشوید، این تعبیر نشان‌دهنده عظمت قرآن کریم است که حتی پیش از تدوین به شکل کتاب، رقیانش را از میدان به در کرده است» (مجرد، ۱۳۹۷: ۱۴۰). در ادامه افزوده است: «نیاز به این توجیه عجیب نیست که بگوییم هنوز وحی بر پیامبر تمام نشده بود که دیگر ادیان را منسوخ کرد و اساساً نیازی نیست که واژه قرآن در این بیت به وحی تعبیر شود». مشکل نظر ایشان این است که قرآن کریم حتی پیش از آنکه همه آن به پیامبر اکرم وحی شده باشد، قرآن گفته می‌شود. با این تعبیر مشکلات نحوی و زبانی بیت نیز حل و فصل می‌شود، فاعل «ناکرده قرآن درست» شخص پیامبر اکرم بوده است، اشکال نظر نویسنده این است که «قرآن درست کردن» را به معنی تدوین و گردآوری قرآن دانسته و حتی در ارجاعاتی که داده، نتوانسته جز معنی مورد نظر خود را جستجو کند؛ درحالی‌که علامه دهخدا در لغت‌نامه آورده است: «درست کردن، نیک آموختن، قرائت خود را درست کردن، یادگرفتن، روان

۱. دانشیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فردوسی مشهد

کردن: اغلب اوقات فراهم نشستندی و لوح درست ناکرده بر سر هم شکستندی (گلستان، سعدی).  
درست کردن، درست کردن حمد و سوره تجوید آن را آموختن (یادداشت مرحوم دهخدا):

او که الحمد را نکرده درست ویس و رامین چراش باید جست

(اوحدی)

دانی حساب گندم خود جو به جو ولی الحمد را درست نکردی ز کودکی

(اوحدی)

درست کردن قرآن آموختن آن علم تجوید فراگرفتن، تصحیح قراءت و در این بیت سعدی در مدح رسول اکرم لطفی خاص در استعمال این کلمه است:

یتیمی که ناکرده قرآن درست کتب خانه هفت ملت بشست

و شیخ اجل در این بیت از قرآن سبق اراده کرده است. چنانکه مولوی از سبق قرآن:

مصطفی را وعده کرد الطاف حق گر بمیری تو نمیرد این سبق

(از یادداشت‌های مرحوم دهخدا)

اگرچه نویسنده مقاله قسمتی از همین نوشته لغت‌نامه را در مقاله آورده است ولی به دو نکته مهم دهخدا به هر دلیلی توجهی نکرده است: نخست این که گفته در این بیت سعدی در مدح رسول اکرم لطفی خاص در استعمال این کلمه است و دیگر به معنی سبق که دهخدا می‌گوید سعدی قرآن را گفته و مقصودش سبق است و مولوی سبق می‌گوید و مقصودش قرآن است.

در معنی کلمه «سبق» در لغت‌نامه آمده است: «آنچه به طریقت مداومت پیش استاد خوانند»:

مصطفی را وعده کرد الطاف حق گر بمیری تو نمیرد این سبق

(مولوی)

عاشقان را شد مدرس حسن دوست دفتر و درس سبق را روی اوست

(مولوی)

این جانب در مقاله‌ای با عنوان «تأثیر قرآن و حدیث در مقدمه شاهنامه» در سال ۱۳۷۶ در شماره سوم و چهارم همین مجله دانشکده ادبیات به معنای قرآن درست کردن اشاره کرده بودم که از چشم نویسنده مقاله مورد نظر پوشیده مانده است: «در تمدن اسلامی سوادآموزی با یادگرفتن و خواندن قرآن در مکتب‌خانه‌ها آغاز می‌شده است و از همان ابتدا کودکان را با خواندن و آموختن قرآن کریم

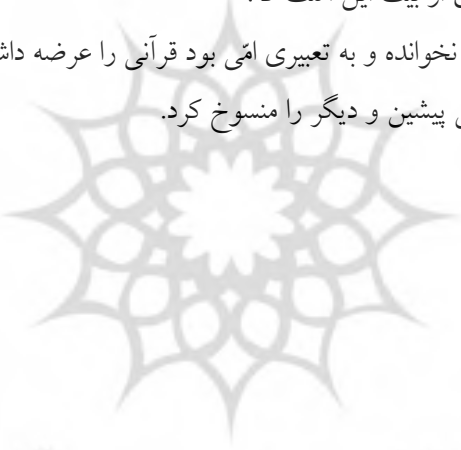
آشنا می‌کرده‌اند؛ به‌گونه‌ای که در بیت معروف سعدی در بوستان «قرآن درست ناکرده» به معنی درس نخوانده و امّی به کار رفته است:

یتیمی که ناکرده قرآن درست      کتب‌خانه چند ملت بشست

که اشاره به امّی بودن پیامبر اکرم (ص) آن واسطه فیض الهی و رحمت عالمیان و عالم‌ها دارد و گرنه قرآن بر آن نازنین نازل شده است و آن گرامی آیاتش را بر دیگران تلاوت فرموده است و درباره امّی بودن پیامبر اکرم در قرآن مجید آمده است: «هو الذی بعث فی الامّیین رسولا منهم» آن خداست که در میان درس ناخواندگان پیغامبری هم از آنان فرستاد تا آیاتش را بر آنان تلاوت کند و آنان را تزکیه کند و کتاب و حکمت بدانان بیاموزد اگرچه پیش از آن در گمراهی آشکار بودند.

به‌طور خلاصه مراد سعدی از بیت این است که:

آن کودک یتیمی که درس نخوانده و به تعبیری امّی بود قرآنی را عرضه داشت که همه کتاب‌های ادیان و مکاتب اندیشگانی ملل پیشین و دیگر را منسوخ کرد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی